



امام باقر(ع)

خداوند به هیچ نوع ستایشی بالاتر از تسبیح فاطمه(س) عبادت نشده است و اگر چیزی بالاتر از این بود، حتما پیامبر اعظم(ص) آن را به فاطمه(س) می‌موخت.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج) کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۸ | تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۲۸ | شماره: ۶۶۴۱۳۷۲۸
info@vatanemrooz.ir | پست الکترونیک: ۱۰۰۰۲۲۲۲ | پیامک: ۶۱۰۸۶۱۶۲۵
چاپ: موسسه چاپ‌چم پرتو برنا



جشنواره

گزارش «وطن امروز» از متن و حاشیه چهارمین روز جشنواره فیلم فجر در سالن رسانه‌ها

فیلم‌هایی برای مخاطبان غیر ایرانی!



احسان سالمی: روز چهارم جشنواره فیلم فجر در سالن رسانه‌ها در شرایطی برگزار شد که ۲ فیلم نمایش داده شده در این روز اساساً برای مخاطبان غیر ایرانی ساخته شده‌اند؛ «آن شب» و «درخت گردو» ۲ فیلمی بودند که اولی به امید اکران در آمریکا و دومی به امید حضور در جشنواره‌های خارجی ساخته شده‌اند! نکته‌ای که محمدحسین مهدویان، کارگردان «درخت گردو» به شکل تلویحی نیز در نشست خبری خود در این جشنواره و البته در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها به آن اشاره کرد. اما اتفاق جالب توجه در ارتباط با «درخت گردو» در زمان برگزاری نشست خبری این فیلم در روز چهارم جشنواره فجر بود. در شرایطی که پیمان معادی پیش از این با انتشار متنی به طور تلویحی از حضور در جشنواره فیلم فجر انصراف داده بود اما اتفاقات نشست خبری این فیلم نشان داد گویا معادی از این تصمیم پشیمان شده است، چرا که در روز چهارم جشنواره فیلم فجر در اتفاقی نادر، پیمان معادی که در نشست خبری فیلم «درخت گردو» حضور فیزیکی نداشت، از طریق تماس تلفنی و پخش صدای او در سالن نشست جشنواره فجر با اهالی رسانه صحبت کرد. جالب اینکه سازندگان این فیلم در صحبت‌های خود از حضور قطعی او در اختتامیه جشنواره امسال خبر دادند؛ گویا آنها از همین حالا معادی را برنده سیم‌رغ بهترین بازیگر نقش اول مرد جشنواره می‌دانند و احتمالاً این خبرسازی درباره حضور قطعی او در اختتامیه فجر هم در همین راستاست!

البته اتفاق پرحاشیه دیگر در روز چهارم جشنواره فیلم فجر بازگشت مجدد فیلم مجید مجیدی به جشنواره فجر بود. در شرایطی که در روز سوم جشنواره فیلم فجر برگزارکنندگان این رویداد به شکل رسمی اعلام کردند به دلیل آماده نشدن فیلم سینمایی «خورشید» تازه‌ترین ساخته مجید مجیدی، فیلم سینمایی «پسرکشی» ساخته محمدهادی کریمی جایگزین این اثر در بخش سودای سیم‌رغ جشنواره فیلم فجر شده است اما از آنجایی که فیلمسازانی همچون مجیدی همیشه باید از امتیازاتی ویژه برخوردار باشند، جشنواره این نکته را هم ذکر کرد که در صورت آماده شدن این اثر، «خورشید» می‌تواند دوباره به جشنواره بازگردد و البته در نهایت در آخرین ساعات برگزاری روز چهارم جشنواره فیلم فجر اعلام شد نسخه سینمایی «خورشید» به جشنواره فیلم فجر رسیده است و این یعنی تازه‌ترین ساخته مجید مجیدی، نرفته، به جشنواره بازگشت. آن هم در شرایطی که مبنای یک جشنواره حرفه‌ای فیلم باید تحویل آثار در موعد مقرر و پیش از آغاز رسمی جشنواره باشد که خب گویا امسال قرار بوده این قاعده با «خورشید» و مجید مجیدی شکسته شود.

قد و نقد و بررسی «روز بلوا» آخرین کار بهروز شعبانی

سینما نگران حق الناس
رضا کردلو: پارسال وقتی خبر فساد بزرگ در یکی از مؤسسات مالی و اعتباری مثل توب صدرا کرد، مردمی را می‌دیدم که در مقابل یکی از شعبه‌های آن موسسه تجمع می‌کردند. به صورت‌های‌شان با دقت نگاه می‌کردم. پر از غم و انتظار بود. موسسه پول‌های مردم را بالا کشیده بود و سرشان کلاه گذاشته بود. به عنوان یک خبرنگار آن روزها بعد از آن یادین اخبار تجمعه‌های اینچنینی از خود می‌پرسیدم چرا صدا و سیما مردم معترض در تلویزیون منعکس نمی‌شود... بی‌خیال! اما «روز بلوا» که ماجرای همین فسادها و همین اعتراض‌هاست!

اینکه سینمای ایران، سرع «مساله» می‌رود و حتی اگر می‌خواهد ملودرام بسازد، سوزهای خاص و شناخته‌شده را انتخاب می‌کند، یعنی جسورتر شده است. سینمای افسرده‌ای که اسمش را اجتماعی گذاشته‌اند، اگر یک آلت‌رناتیو داشته باشد، حتماً آلت‌رناتیو سینمای مسأله‌دار است. منظوم سینمایی است که فارغ از جهان پیرامون خود نیست و دغدغه‌هایش از جنس دغدغه‌های مردم است. «روز بلوای» بهروز شعبانی در ادامه سینمای مسأله‌دار، با نگاهی به اختلاس‌های بانکی و فسادهای اقتصادی که حالا به بخشی از اخبار روزمره تبدیل شده، ساخته شده است. شعبانی برای پرداختن به این سوز نیز سراغ مفسدان اقتصادی سکولار یا لایک‌نرفته و اتفاقاً خانواده متمول و مذهبی را انتخاب کرده و شخصیت محوری‌اش یک روحانی نام و نشان دار است که از فساد بزرگ نزدیکیان خویش مطلع می‌شود و می‌خواهد قبل از فرارسیدن روز حساب، به حساب خود برسد. سفر قهرمان داستان روز بلوای اینگونه آغاز می‌شود: مرحله «تردید» قهرمان داستان و شک او، در ادامه تصمیمش برای اعاده حیثیت و بازگرداندن آبروی رفته به جوی. اما کار بیخ پیدا می‌کند. او می‌گوید از آبرویش می‌ترسد و عمویش تاکید می‌کند: «حق مردم برتس، آبرو دست خداست». به نظر همه حرف فیلم همین است. حق مردم چیزی نیست که جایگزینی داشته باشد.

سینمای شعبانی، سینمای تذکر است و البته محافظه‌کاری همیشگی‌اش اجازه نمی‌دهد «آن» سینمای او بروز و ظهوری مخاطب‌پسند داشته باشد. منطق فیلمنامه هم لنگ می‌زند و پس و پیش بحران درست درنیامده است. فیلم اما در یک‌سوم پایانی از ریتم می‌افتد و جهت عوض می‌کند. فیلم عدالت‌خواهانه است اما فیلم عدالت‌خواهانه نباید مصلحت‌سنجی کند. یعنی سینما جای مصلحت‌سنجی‌های دنیای واقع نیست و شاید لازم باشد عاقبت کار را ببینیم.

پرونده «وطن امروز» برای فیلم «لباس شخصی» که قصه‌ای پیرامون مسأله نفوذ دارد

نفوذ را جدی بگیرید

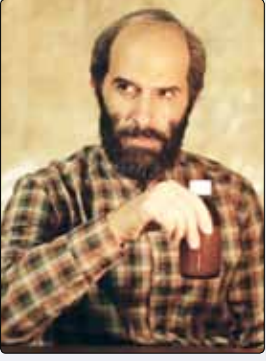
گروه فرهنگ و هنر: فروردین سال گذشته بود که مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارکنان وزارت اطلاعات با تاکید بر جدی گرفتن مسأله نفوذ، یکی از محورهای جنگ اطلاعاتی دشمن را «نفوذ و تأثیرگذاری بر نظام محاسباتی مسؤولان» دانستند. مسأله‌های غیرقابل انکار که از همان سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی همواره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است؛ آنچنان که در آغازین ماه‌های پس از انقلاب میزان نفوذ در ساختار مدیریت کشور چنان بود که کار به سطح فرمانده یک نیروی مهم نظامی در کشور نیز رسید و از این جهت نفوذ پدیده‌ای است که نمی‌توان بسادگی از کنار آن عبور کرد. البته این به معنای آن نیست که نیروهای اطلاعاتی و امنیتی کشور نسبت به این مسأله بی‌توجه بودند و کیست که نداند نیروهای اطلاعاتی و امنیتی کشور برای حفظ آرامش و امنیت این آب و خاک تا چه اندازه از خودگذشتگی کردند؛ سربازان گمنامی که بیش از همه برای انقلاب اسلامی هزینه می‌دهند و کمتر از همه نیز از آن‌ها آسبی برده می‌شود. اما مسأله پرداختن به «نفوذ» صرفاً یک ماجرای امنیتی و اطلاعاتی نیست، چرا که در این میان رسانه‌ها و سینما نیز برای روشن‌سازی ذهن جامعه در ارتباط با ابعاد مختلف پدیده پیچیده «نفوذ» و البته عینیت بخشی به موضوع مهم جدی گرفتن مسأله نفوذ، هر چند سینمای ما طی سال‌های گذشته این موضوع مهم را



گفت‌وگوی «وطن امروز» با توماس دانش‌بهرزادی، بازیگر نقش حنیف در فیلم «لباس شخصی»

لباس شخصی جانبدارانه نیست

توماس دانش‌بهرزادی در «لباس شخصی» ایفاگر نقش یک مأمور اطلاعاتی است که در بخش‌هایی از قصه خودش هم به‌رحال چنین فیلمی با این دستان اگر جهت‌گیری سیاسی نداشته باشد به مرحله تولید نخواهد رسید اما این موضوع روی قصه و ساختار سایه‌نینداخته و هدف اول روایت داستان با ساختاری محکم بوده است. برای مثال در فیلم‌های ایرانی بدمن‌ها به شکلی نشان داده می‌شوند که از واقعیت بیرون است و برای مخاطب دافعه ایجاد می‌کند اما من بسیاری از افراد حزب توده را می‌شناختم و درباره‌شان مطالعه داشتم و می‌دانستم آنها انسان‌های بد و باصطلاح دیو صفتی نیستند. در فیلم هم می‌بینید که اغلب آنها از مسأله جاسوسی کلامی اطلاع هستند و صرفاً



مشغول فعالیت‌های حزبی در کشور بوده‌اند. من هم از این منظر می‌گویم که در فیلم از گروهی جانبداری نشده است. حتی برخی دوستان پس از نمایش فیلم از من می‌پرسیدند «مطمئنم این فیلم رو اوج ساخته؟» می‌خندد!

در کل بازخوردها چطور بود؟
جالب است بدانید در اکران‌هایی که همراه مردم فیلم را دیدم با جوان‌هایی مواجه شدم که ظاهرشان نشان می‌داد چندان سنخیتی از نظر ایدئولوژی با «لباس شخصی» ندارند اما فیلم را خیلی دوست داشتند و از آن تعریف می‌کردند.

به نظر «لباس شخصی» استحقاق این را داشت که وارد بخش سودای سیم‌رغ شود. در آن صورت کار گروه بازیگری بیشتر دیده می‌شد و حتی ممکن بود شما برای بازی در این نقش کاندیدای سیم‌رغ شوید.
راستش اصلاً فکرم را هم نمی‌کردیم فیلم وارد بخش سودای سیم‌رغ نشود. اما بگذارم هیأت انتخاب بیشتر نگاهی ایدئولوژیک به فیلم داشت تا نگاه ساختاری و کیفی. «لباس شخصی» در صورتی که در بخش سودای سیم‌رغ پذیرفته می‌شد می‌توانست علاوه بر بازیگری در بخش‌های کارگردانی، فیلمنامه، طراحی صحنه و لباس و فیلمبرداری هم مورد توجه قرار گیرد. اگر فیلم در این بخش رقابتی حضور داشت بازی من هم احتمالاً بیشتر دیده می‌شد. البته من آنقدر سماجت خواهم کرد تا حقم را از سینما بگیرم. می‌خندد!

گفت‌وگوی «وطن امروز» با مهدی نصرتی، بازیگر نقش اول فیلم سینمایی «لباس شخصی»

از صفر شروع کردم

همراه با آقای ربیعی فیلم‌های مستند بسیاری از آن دوران تماشا کردیم. برخی روزها پس از اتمام تمرین با هم صحبت می‌کردیم و ایشان درباره احزاب فعال در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و افرادی که در این احزاب مشغول به فعالیت بودند با من صحبت می‌کرد. اگر سوالی در ذهن داشتیم بعد از تمرین‌های انفرادی درباره‌شان تحقیق یا از دیگران سوال می‌کردم. آقای ربیعی برای نوشتن فیلمنامه تقریباً ۲ سال وقت صرف کرده بود و اطلاعات جامع و خوبی داشت و این اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌داد. برایم جالب بود بدانم جوانان دهه ۶۰ در چه شرایطی رشد و زندگی می‌کردند. این نسل وقایع مختلفی مانند انقلاب و جنگ را از سر گذرانده بودند و طبعاً با ما خیلی فرق داشتند.

یاسر در فیلم روزگاری عجیب و جالب را از سر می‌گذراند و شما به عنوان بازیگر این نقش باید طیف وسیعی از احساسات را در معرض دید مخاطب قرار می‌دادید. احتمالاً این موضوع برای تان چالش برانگیز بوده است.
بله همینطور است؛ نقش یاسر سخت بود و البته جذاب. همین جذابیت هم باعث شده بود بازیگران بسیاری علاقه‌مند به ایفای این نقش باشند. آقای ربیعی در انتخاب بازیگران شدت سختگیر بود و اگر نقش را برای بازیگری مناسب نمی‌دانست حتی اگر با او تمرین کرده و صحبت‌هایی شده بود بدون تعارف او را کنار می‌گذاشت. این نقش همانطور که گفتید چالش برانگیز بود اما همین موضوع بازی در نقش یاسر را برایم جذاب می‌کرد.

اغلب بازیگران «لباس شخصی» چهره‌های تئاتری هستند که برای مخاطب سینما شناخته شده نیستند. نقش اصلی این فیلم را مهدی نصرتی بازی کرده که کارش را از تئاتر آغاز کرده و در فیلم «لباس شخصی» در نقش «یاسر» خوش‌خوش‌شده است. در ادامه گفت‌وگوی «وطن امروز» با این بازیگر جوان را می‌خوانید.

کمی درباره پیشینه بازیگری تان بگویید.
بازیگری را از تئاتر شروع کردم. از اوایل دهه ۸۰ کار بازیگری در تئاتر را آغاز کردم. مدتی به‌خاطر عکاسی و خبرنگاری از بازیگری دور شدم اما اوایل دهه ۹۰ باز هم به سمت بازیگری رفتم. قبلاً در ۳ فیلم «درست» به کارگردانی آقای علی‌خامه پرست، «کوچه ملی» به کارگردانی آقای مهرشاد کارخانی و فیلم «مجبوریم» به کارگردانی آقای رضا درمیشیان که قرار بود در جشنواره امسال حضور داشته باشد اما متأسفانه اینطور نشد، بازی کردم.

چطور شد برای ایفای نقش یاسر در فیلم «لباس شخصی» انتخاب شدید؟
بازیگردان فیلم «لباس شخصی» آقای خیرالله تقیانی پور در سال‌های اخیر بازی‌هایم در تئاتر را دیده بود و من را برای بازی در این فیلم به آقای ربیعی پیشنهاد داد. ایشان با من تماس گرفت و من به دفتر فیلم رفتم که در مرحله پیش‌تولید قرار داشت. در آن جلسه از من برای نقشی دیگر تست گرفته شد اما بعد از گذشت مدتی آقای ربیعی و گروه به این نتیجه رسیدند که بهتر است نقش یاسر را بازی کنم. به همین خاطر مجدداً من تست گرفته شدم و قرار شد نقش اصلی فیلم را ایفا کنم.

حتماً برای تان خوشحال‌کننده و هیجان‌انگیز بوده است. راستش من نقش قبلی را هم با وجود اینکه کوتاه بود خیلی دوست داشتم و تقریباً یک ماه و ۲۰ روز برای بازی در آن نقش تمرین کرده بودم. پیشینه تئاتری‌ام به من یاد داده برای هر نقش شبانه‌روز تمرین کرده و خودم را به آن نقش نزدیک و باورش کنم تا کاراکتر برای مخاطب بازی پرپذیر شود. به همین خاطر وقتی قرار شد نقش اصلی را بازی کنم دوباره همه تمرین‌ها را از صفر شروع کردم. روزهای کمی به فیلمبرداری باقی‌مانده بود و باید در مدت زمان خیلی کوتاه خودم را به نقش می‌رساندم اما به هر حال بازی در این نقش برایم بسیار هیجان‌انگیز بود.

قبل از آنکه نقش اصلی به شما سپرده شود قرار بود کدام نقش را بازی کنید؟
قرار بود نقش حسام را که در فیلم نقش بازجو را دارد ایفا کنم.

همکاری با امیرعباس ربیعی چطور بود؟ کارگردانی منعطف و پیشنهادپذیر است یا به اصطلاح به بازیگران سخت می‌گیرد؟
تقریباً ۲ ماه پیش از آغاز فیلم تمرین داشتیم اما تمرین‌های‌مان به این شکل نبود که بنشینیم و مثلاً دور خوانی کنیم. در این مدت با هم حرف می‌زدیم، فیلم می‌دیدیم، درباره بازیگران و کارهای‌شان صحبت می‌کردیم و اینکه چطور باید به نقش نزدیک شد. در تمرین‌ها متوجه شدم ایشان گوش شنوای خوبی دارد و به دقت به ایده‌های گروه و طبعاً بازیگران گوش می‌کند و درباره‌شان حرف می‌زند.

بازی در نقش یک جوان ۲۸ ساله انقلابی که در ابتدای دهه ۶۰ زندگی می‌کند طبعاً از شما دور است. برای نزدیک شدن به نقش چه کردید؟

